

بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر کرمانشاه

محمد جواد نجفی^۱

رضا معصومی راد^۲

مظفرالدین شهبازی^۳

دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۸

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۴

چکیده

مشارکت سیاسی در نظام دموکراسی غیر مستقیم نقش حیاتی ایفا می‌کند. انتخاب ساز و کار اصلی برای تحقق حاکمیت مردمی است. در این میان مشارکت به شهروندان امکان می‌دهد تا مقامات مسئول را جایگزین کرده و دولت را تغییر دهند.

با توجه به اهمیت بحث از مشارکت سیاسی، پژوهش حاضر با استفاده از روش میدانی، تکنیک پیمایش، ابزار پرسشنامه و استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Smart PLS، به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی می‌باشد که آیا بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد؟ جامعه آماری پژوهش حاضر شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر کرمانشاه می‌باشد که ۳۸۴ نفر از آنها به عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن یعنی اعتماد اجتماعی (۰/۳۸)، مشارکت اجتماعی (۰/۴۱)، انسجام اجتماعی (۰/۳۰)، حمایت اجتماعی (۰/۲۷)، آگاهی اجتماعی (۰/۳۵)، ارتباط اجتماعی (۰/۳۶) با مشارکت سیاسی شهروندان ارتباط مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. بنابراین تمامی فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شوند. نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری (Smart PLS) نیز نشانگر این است که اثر متغیر مستقل سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان به میزان ۰/۵۵ می‌باشد.

واژگان کلیدی

سرمایه اجتماعی، مشارکت، مشارکت سیاسی، شهر کرمانشاه.

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، ایران. mohammadjavadnajafi860@gmail.com

۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، ایران. (نویسنده مسئول) masoumirad@guilan.ac.ir

۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه زنجان، ایران. mozafaraldinsh1347@gmail.com

توسعه ملی در کشورهای جهان سوم بیش از هر چیز به مشارکت فعال و وفاق اجتماعی مؤثر افراد جامعه وابسته است. فقدان این مشارکت و وفاق اجتماعی زمینه بر خورد، اختلاف و تضاد را در میان عملکرد بخش‌های مختلف (خصوصی و عمومی) جامعه فراهم می‌آورد و بخش اعظم منابع کمیاب این کشور صرف مقابله با عوارض نامطلوب این برخوردها می‌گردد. مشارکت دارای ابعاد مختلفی می‌باشد که از جمله مهم‌ترین آن مشارکت سیاسی می‌باشد (محبی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴۶).

مشارکت سیاسی در نظام دموکراسی غیر مستقیم، نقش حیاتی ایفا می‌کند. انتخاب، ساز و کار اصلی برای تحقق حاکمیت مردمی است. قدرت نهایی از آن مردم است و مردم این قدرت را از طریق فرآیند مشارکت سیاسی به نمایندگان و اگذار می‌کنند. در این میان مشارکت به شهروندان امکان می‌دهد تا مقامات مسئول را جایگزین کرده و دولت را تغییر دهند. از این رو، مشارکت باعث می‌گردد تا متصدیان امور در مقابل ملت پاسخگو و مسئول باشند. دانشمندانی چون آلوین تافلر بر ضرورت مشارکت در آینده تأکید دارند. وی معتقد است که هرگز در طول تاریخی مثل امروز و آینده موضوع ارتباط و مشارکت دارای اهمیت نبوده است. همچنین وی اظهار می‌دارد: نخبگان هر قدر که روشن اندیش باشند باز به تنهایی قادر به ایجاد تمدنی جدید نیستند. ایجاد تمدنی جدید مستلزم نیروی همه انسان‌هاست و این نیرو موجود و آماده کار است (تافلر، ۱۳۸۴: ۱۱).

موضوع مشارکت سیاسی و چگونگی تحقق آن، ریشه در تاریخ دیرینه ملت‌ها دارد و امروز این مفهوم اهمیت دو چندانی پیدا کرده است و مشارکت در عرصه‌های گوناگون همواره مورد بحث بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران بوده است؛ به گونه‌ای که به نظر برخی از صاحب‌نظران محور اصلی توسعه بر پایه مشارکت سیاسی استوار است. در این ارتباط لوسین پای توسعه را منوط به گذار موفقیت‌آمیز نظام‌ها از شش بحران می‌داند که یکی از آنها بحران مشارکت است (پای، ۱۳۸۰: ۱۰۵).

گسترش بی تفاوتی و بی حسی سیاسی که باعث می‌شود قدرت در دست افراد غیر مسئول و قدرت طلب قرار بگیرد، کاهش چشمگیر توجه حکام و حکومت به مصالح مردم - چراکه اعمال هر گونه سیاستی باز خورد اجتماعی چندانی نخواهد داشت -، ممانعت از رشد اپوزیسیون

و سازمان‌های مختلف، نازل چشمگیر آموزش سیاسی مردم و... از جمله پیامدهای کاهش مشارکت سیاسی در سطح جامعه است که موجب می‌شود لطمه‌ها و خسارات جبران ناپذیری به سیستم سیاسی و اجتماعی وارد شود (ملائکه و امیری فر، ۱۳۹۶: ۶۳).

بنابراین باید برای رفع این پیامدها و در جهت رشد و توسعه همه جانبه کشور عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی را به عنوان یک مسئله مهم مورد بررسی قرار داد تا بتوان با ارائه راهکارهای علمی در جهت افزایش مشارکت سیاسی گام برداشت.

از جمله عوامل مرتبط با مشارکت سیاسی سرمایه اجتماعی می‌باشد. امروزه در کنار سرمایه‌های انسانی، اقتصادی و فیزیکی، از سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی^۱ نام برده می‌شود که در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع مطرح شده است. توجه به سرمایه اجتماعی نقطه عطفی در رویکرد نظری در مطالعات توسعه می‌باشد (ناطق پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۵۹). سرمایه اجتماعی همچون مفاهیم سرمایه فیزیکی^۲ و سرمایه انسانی^۳ (ابزار و آموزش‌هایی که بهره‌وری فردی را افزایش می‌دهند)، به ویژگی‌های سازمان اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کنند.

سرمایه اجتماعی اصطلاحی است که به طور عادی و روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرد، گرچه تصویری که از مفهوم آن وجود دارد، اغلب در حد ناچیزی است. سرمایه اجتماعی مفهومی قدیمی است، اما تنها اصطلاحی است که اخیراً به خوبی ابداع شده است (بنکستون و ژو، ۲۰۰۲: ۲۹۱).

اصطلاح سرمایه اجتماعی به سرمایه‌هایی که مردم برای حل مشکلات عمومی ترسیم می‌کنند، گفته می‌شود. اصل وجودی سرمایه اجتماعی راه حلی برای مشکلات اجتماعی گوناگون مانند فقر، جرم و جنایت، اقتصاد عقب مانده و حکومت کم بازده به شمار می‌رود. سرمایه اجتماعی با مفاهیمی از قبیل جامعه مدنی و ارتباطات اجتماعی پیوند یافته است (آدام و رنسوویچ، ۲۰۰۳: ۱۶۰-۱۵۹).

1. Social Capital
2. Physical capital
3. Human Capital
4. Bankston Zhou
5. Adam & Roncevic

سرمایه اجتماعی سود سرمایه گذاری در زمینه سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد. همواره در جامعه‌ای که از نعمت سرمایه اجتماعی چشم‌گیری برخوردار است، همکاری آسان‌تر است. امروز مسلم است که رسیدن به توسعه، جامعه مدنی^۱، معیارهای جهان شمول و بستری مناسب برای زیست اجتماعی بدون وجود سرمایه اجتماعی ممکن نیست (حیدرخانی، ۱۳۹۷: ۵۳).

سرمایه اجتماعی به مثابه سازه یا مفهومی پیچیده و چند وجهی به مفهومی دلالت دارد که منبع اصلی زایش آن اجتماع یعنی حوزه تعاملات اجتماعی است. در هر جامعه خرده نظام اجتماعی در ارتباط متقابل با خرده نظام‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی اصلی‌ترین منبع و قلمرو روابط و تعاملات اجتماعی توأم با احساس و عواطفی است که مولد تعهدات متقابل برای برقراری پیوندها و وصل کردن کنشگران به همدیگر و ایجاد اعتماد، همبستگی، انسجام و محیط گرم است و بستری برای مشارکت در فعالیت‌های مختلف جامعه از جمله فعالیت‌های سیاسی فراهم می‌کند. بنابراین با توجه به توضیحات داده شده بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی مسئله‌ای مهم و قابل بررسی است و پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی می‌باشد که آیا بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد؟

شهر کرمانشاه جامعه‌ای با گوناگونی و شکاف‌های اجتماعی بسیار، با ساختار موزاییک‌گونه می‌باشد. گوناگونی قومی، زبانی، فرهنگی و گوناگونی مذهب و دین (در این شهر کرد، لک، لر، فارس و ترک با مذاهب شیعه، سنی، اهل حق زندگی می‌کنند) و همچنین تفاوت‌های طبقاتی و اقتصادی سبب شده است که اقوام و مذاهب برای سهم شدن در ساختار قدرت و سیاست از انواع سرمایه در اختیار خود استفاده کنند که گاه به مشارکت سیاسی به شکل قومی-قبیله‌ای و گاه مذهبی روی آورده و گاه به انتخاب شایسته‌سالارانه تن می‌دهند. در این پژوهش برای سنجش جایگاه افراد در فضای اجتماعی از سرمایه اجتماعی استفاده می‌شود. جمع ابعاد مختلف این سرمایه، نوع و ترکیب آنها، جایگاه افراد را در فضای اجتماعی تعیین می‌کند. این جایگاه‌ها منشأ تفاوت در سلیقه‌ها و موضع‌گیری‌های فرد است. جایگاه افراد همان قدر که به وزن نسبی ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی وابسته است، به ترکیب آنها نیز بستگی دارد و بنابراین

بررسی ارتباط آن با مشارکت سیاسی مسئله‌ای اساسی است.

پیشینه پژوهش

تحقیقات داخلی

- باقری و دیگران (۱۳۹۷) پژوهشی را با عنوان «بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، وفاق اجتماعی، پیوند اجتماعی) بر مشارکت سیاسی زنان استان خوزستان (مطالعه موردی: شهر اهواز)» به انجام رساندند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل پژوهش (سن، درآمد، تحصیلات، قومیت، وضعیت تأهل، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، وفاق اجتماعی و پیوند اجتماعی) با متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) رابطه معناداری دارند.

- حمیدی هریس و راد (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی «رابطه سرمایه فرهنگی با مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز» پرداختند، نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین متغیر میزان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت سیاسی، میزان مشارکت در تجمعات سیاسی و میزان آگاهی سیاسی و میزان سیاسی بودن گروه مرجع (دوستان) دانشجویان، عضویت در انجمن‌ها و احزاب و میزان مشارکت در انتخابات رابطه معنی‌داری وجود دارد، اما بین سرمایه فرهنگی و احراز مناصب سیاسی رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

- رضایی و دیگران (۱۳۹۶) پژوهشی را با عنوان «بررسی رابطه میزان اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی از نظر دانشجویان دانشگاه مازندران» به انجام رساندند. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد میان اعتماد به سازمان‌های دولتی، اعتماد به اساتید و امور اداری دانشگاه اطمینان به افراد - آشنایان با میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه مستقیم وجود دارد.

- شهرام نیا و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به «سنجش تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران)» پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان دادند که رابطه‌ای کاملاً مثبت بین شبکه بندی اجتماعی (سلسله مراتب شبکه و انواع مشارکت) و مشارکت سیاسی وجود دارد و بعد ساختی شبکه‌های اجتماعی بیشترین تأثیر را بر رفتار انتخاباتی دانشجویان داشته‌اند.

- عبداللهیان و کرمانی (۱۳۹۴) در تحقیقی به «تبیین رابطه سرمایه اجتماعی کاربران ایرانی

در شبکه اجتماعی فیس بوک و مشارکت سیاسی در دنیای واقعی» پرداختند. براساس نتایج، افزایش سرمایه اجتماعی کاربران در فیس بوک، موجب افزایش مشارکت سیاسی آن‌ها در جهان واقعی می‌شود. همچنین از میان شاخص‌های سرمایه اجتماعی، باز یا بسته بودن شبکه دوستان، باز یا بسته بودن شبکه‌های گروه‌ها و صفحه‌ها، تراکم شبکه و شرایط دستیابی به منابع، چهار شاخص تبیین‌کننده مشارکت سیاسی کاربران هستند.

تحقیقات خارجی

- تنی و هانکوینت^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «مشارکت سیاسی بالا، سرمایه اجتماعی بالا» به بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی با استفاده از روش‌های همبستگی و رگرسیون چند متغیره به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین جوانان بلژیک می‌پردازند. یافته‌ها نشان دادند با افزایش سرمایه اجتماعی مشارکت سیاسی افزایش پیدا می‌کند.

- جمنا و کارلرو^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «ارزش‌ها و مشارکت سیاسی دانشجویان» بر روی گروهی از دانشجویان در رومانی نشان دادند که میزان رأی در انتخابات کشور در دانشجویانی که تمایل به فعالیت‌های مذهبی دارند، به شکل معناداری بسیار بالاتر از افرادی است که هرگز مشارکت مذهبی نداشته‌اند.

- نیگارد^۳ و دیگران (۲۰۱۵) مقاله‌ای را با عنوان «آیا سرمایه اجتماعی، مشارکت سیاسی را در بزرگسالان میانسال افزایش می‌دهد؟ تحلیل چند سطحی از بزرگسالان فنلاند و سوئد» به انجام رساندند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که افرادی که در سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماعی به صورت داوطلبانه عضویت داشته و به آنها اعتماد بالا دارند، تمایل بیشتری به مشارکت سیاسی دارند و البته منطق و تفکر هر کدام از این افراد در این مورد و نوع مشارکتشان متفاوت بوده است.

- سو^۴ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «همبستگی میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی: با در نظر گرفتن توسعه ملی، اقتصادی، سیاسی و نابرابری اقتصادی» بر آن است تا همبستگی

1. Teney & Hanquinet
2. Jemna & Curelaru
3. Nygard
4. Suh

میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی را نشان دهد و روابط میان را متغیرها در سطح کلان مانند توسعه سیاسی و اقتصادی، نابرابری نشان می‌دهد. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی که از شاخصه‌های عمومی اعتماد، اطمینان به دولت و مشارکت عمومی است با مشارکت سیاسی در نهادها (مانند رأی دادن) یا غیر نهادها (شرکت در راهپیمایی‌های صلح آمیز و...) ارتباط دارد.

- اسکوریک^۱ و دیگران (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در سنگاپور» به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی پرداخته‌اند. نتیجه‌گیری آنها این بود که شواهدی وجود دارد که شبکه‌های اجتماعی با مشارکت سیاسی ارتباط زیادی دارد.

جمع بندی و مقایسه با سایر تحقیقات

همان گونه که ملاحظه می‌شود تحقیقات گوناگونی در زمینه مشارکت سیاسی صورت گرفته شده است از جمله «بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، وفاق اجتماعی، پیوند اجتماعی) بر مشارکت سیاسی زنان، رابطه سرمایه فرهنگی با مشارکت سیاسی در بین دانشجویان، بررسی رابطه میزان اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی، سنجش تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی و تبیین رابطه سرمایه اجتماعی کاربران ایرانی در شبکه اجتماعی فیس بوک و مشارکت سیاسی» از جمله تحقیقات صورت گرفته می‌باشند. هرچند تحقیقات انجام شده دارای نتایج ارزشمندی هستند اما تاکنون تحقیقات چندانی که به ارتباط بین متغیرهای سرمایه اجتماعی در ابعاد وسیع پرداخته باشد صورت نگرفته است. این تحقیق برخلاف سایر تحقیقات سرمایه اجتماعی را در ابعاد مختلف سنجیده و همچنین برخلاف اکثر پژوهش‌های انجام شده سرمایه اجتماعی را تنها در شرکت در انتخابات محدود نمی‌داند و بر عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی، همکاری با نهادها و انجمن‌های سیاسی و فعالیت‌های انتخاباتی نیز تأکید می‌کند. همچنین این تحقیق برای اولین بار در شهر کرمانشاه به انجام می‌رسد و استفاده از نرم افزار معادلات ساختاری اسمارت پی آل اس در تحلیل داده‌ها نیز از نوآوری‌های این پژوهش می‌باشد.

پری معتقد است که باید سه جنبه از مشارکت سیاسی یعنی شیوه مشارکت، شدت و کیفیت آن را بررسی کرد. منظور وی از شیوه مشارکت این است که مشارکت چه شکلی به خود می‌گیرد آیا رسمی است یا غیر رسمی و استدلال می‌کند که شیوه مشارکت بر طبق فرصت، میزان علاقه، منابع در دسترس فرد و نگرش‌های رایج به مشارکت در جامعه و به ویژه این که آیا مشارکت تشویق می‌شود یا نمی‌شود فرق دارد. منظور از شدت، سنجش تعداد افرادی است که در فعالیت‌های معین شرکت می‌کنند و هم تعداد دفعات مشارکت آنان است که باز هم ممکن است بر طبق فرصت‌ها و منابع فرق کند. کیفیت به میزان اثر بخشی که در نتیجه مشارکت به دست می‌آید و سنجش تأثیر آن بر کسانی که قدرت را اعمال می‌کنند و نیز بر سیاست‌گذاری‌ها مربوط می‌شود. کیفیت هم بر طبق فرصت‌ها و منابع از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از موردی به مورد دیگر فرق می‌کند (راش، ۱۳۹۰: ۱۲۴-۱۲۳).

هانتینگتون و نلسون در مدل خود به مشارکت در نظام سیاسی توجه ویژه‌ای مبذول داشته‌اند. به نظر آنها دو عامل اساسی در افزایش مشارکت سیاسی افراد جامعه دخالت دارند یکی نخبگان و دیگری توسعه اقتصادی - اجتماعی است. نخبگان جامعه برای بقا خود در مسند قدرت اقتصادی و اجتماعی نیز به دو صورت باعث مشارکت سیاسی افراد می‌شود. اول اینکه باعث تحرک اجتماعی افراد جامعه شده و در پی آن کسب منزلت‌های بالاتر و احساس کارایی سیاسی را در افراد جامعه موجب می‌شود که در نهایت این فرایند فرد را به مشارکت سیاسی بیشتر رهنمون می‌کند. دوم اینکه توسعه اقتصادی - اجتماعی موجبات انسجام و تضاد گروهی را فراهم کرده که این مسأله باعث افزایش آگاهی گروهی و دخالت بیشتر افراد در فعالیت‌های سازمانی و در نهایت مشارکت سیاسی می‌شود (هانتینگتون و نلسون، ۱۹۷۶: ۱۶۳).

بر اساس نظر لایگلی، تعامل اجتماعی دارای بینش‌های کلیدی است که کمک می‌کند تا بدانیم چرا افراد درگیر سیاست می‌شوند. وی معتقد است تعامل اجتماعی فرصت‌هایی را برای فرد فراهم می‌آورد تا درباره سیاست اطلاع کسب کنند و به فرد اجازه می‌دهد که فراتر از منابع خویش به مشارکت پردازد و بر موانع مشارکت سیاسی چیره شود. زیرا درک، اطلاعات، منابع و توانایی‌های فردی ذاتاً محدود است (اندرسون، ۲۰۰۳: ۸۹).

پاتنام مدعی است که شرکت در اجتماع مانند شبکه‌های رسمی و شبکه‌های غیر رسمی جامعه، مرکز اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی است (پاتنام، ۲۰۰۰: ۵۶). وی می‌گوید که همکاری داوطلبانه در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه‌های مشارکت اجتماعی به ارث برده، بهتر صورت می‌گیرد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۳۸). شبکه‌های اجتماعی، مردم را بیش‌تر به همکاری و اعتمادپذیری تشویق می‌کند تا شرایط انفرادی ناشی از پی جویی نفع شخصی (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۲).

پاتنام عقیده دارد که سرمایه اجتماعی در قالب اعتماد، مشارکت را تسهیل می‌بخشد و هرچه سطح آن در جامعه‌ای بالاتر باشد احتمال مشارکت هم بیشتر خواهد بود و مشارکت نیز متقابلاً ایجاد می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۲).

لک و هوکفلد معتقدند سرمایه اجتماعی تولید شده در درون شبکه‌های اجتماعی احتمال مشارکت فرد در حوزه‌های سیاسی را افزایش می‌دهد. آن‌ها همچنین اعلام می‌کنند سرمایه اجتماعی مرتبط با حوزه‌های سیاسی محصول سه موضوع است: ۱. نخبگان درون شبکه‌های اجتماعی ۲. میزان تعاملات درون شبکه‌های اجتماعی ۳. اندازه و وسعت شبکه‌های اجتماعی. آن‌ها نشان می‌دهند که هرچه میزان گفت و گوی افراد در مورد مسائل سیاسی با دوستان خود بیشتر باشد، علاقه مشارکت سیاسی آن‌ها در انتخابات ملی افزایش پیدا می‌کند (لک و هوکفلد، ۱۹۹۸: ۵۸۴-۵۶۷).

مک لورگ به منظور تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی، مدلی از شبکه‌های اجتماعی مشارکت را ارائه می‌دهد و معتقد است که متغیر تعاملات اجتماعی، افراد را در معرض تأمین اطلاعات اجتماعی قرار می‌دهد تا آن‌ها به درک درستی از سیاست نائل آیند (مک لورگ، ۲۰۰۳: ۵). وی استدلال می‌کند از آنجایی که درک فردی، اطلاعات، منابع و توانایی افراد ذاتاً محدود است، تعامل اجتماعی فرصت‌های بدیلی جهت دستیابی افراد به منابع اجتماعی دیگر فراهم می‌کند که این امر کاهش موانع مشارکت سیاسی را به دنبال دارد. در نتیجه منابع مکمل اجتماعی موجب افزایش منابع و توانایی‌های افراد می‌شود که آن‌ها به نوبه خود احتمال مشارکت سیاسی را افزایش می‌دهد (مک لورگ، ۲۰۰۳: ۵).

بنابراین از نظریه‌های پاتنام، لک و هوکفلد و مک لورگ این فرضه اصلی استخراج می‌شود

که:

- بین سرمایه اجتماعی در ابعاد مختلف و مشارکت سیاسی ارتباط وجود دارد. از نظر آلموند و وربا سه عامل منابع (شامل وقت، پول، حمایت‌های صورت گرفته و مهارت‌های سازمانی)، عوامل روانی فعالیت سیاسی (علاقه شدید به سیاست، دانش سیاسی، اعتماد، آگاهی) و شبکه عضوگیری (مشارکت اجتماعی، ارتباطات اجتماعی عضویت در سازمان‌های داوطلبانه، محل کار) مشارکت سیاسی را تسهیل می‌کند (بارکان، ۱۹۹۸: ۶۴). به نظر آلموند مشارکت شهروندان مبین نحوه بهره برداری شهروندان واحد ایستارهای مشارکتی مختلف از فرصت‌هایی است که نهادها و موضوعات در اختیار آنها قرار می‌دهد. شهروندانی که اطلاعات خوبی دارند، به توانایی‌های خود بر اعمال نفوذ بر دیگران اعتماد دارند، یا مراتب امور سیاسی هستند، یا خود را موظف به مشارکت می‌دانند، از فرصت‌هایی که برای مشارکت جستن وجود دارد، استفاده می‌کنند (آلموند، ۱۳۷۶: ۹۹).

بنابراین از نظریه آلموند و وربا این فرضیه‌های فرعی استخراج می‌شوند که: بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، حمایت اجتماعی، آگاهی اجتماعی و ارتباط اجتماعی با مشارکت سیاسی ارتباط وجود دارد.

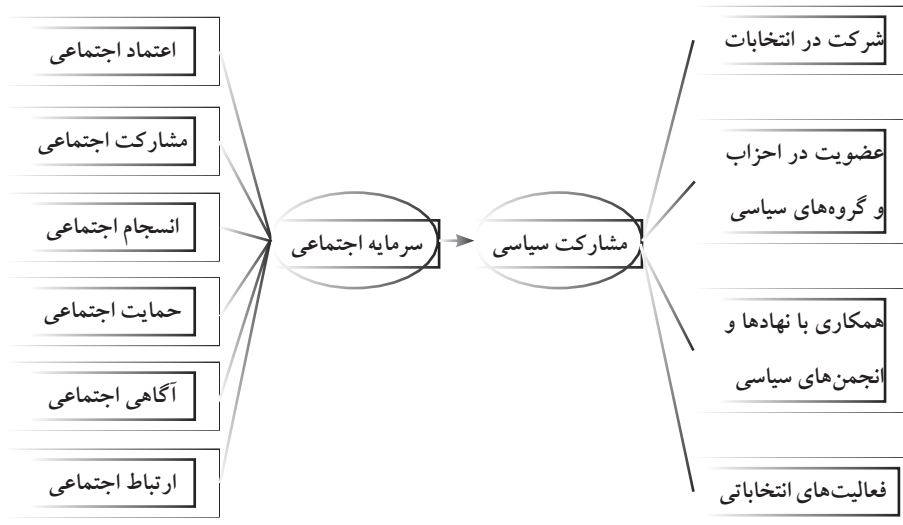
فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

- بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

- بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.
- بین مشارکت اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.
- بین انسجام اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.
- بین حمایت اجتماعی و مشارکت سیاسی مردان شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.
- بین آگاهی اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.
- بین ارتباط اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.



مدل نظری پژوهش

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر روش، میدانی و با تکنیک پیمایش انجام گرفته است. همچنین این تحقیق از نظر هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. در این مطالعه برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. پیش از آغاز پیمایش، پرسشنامه ابتدایی مورد آزمون اولیه قرار گرفت و با استفاده از نتایج به دست آمده، نقایص موجود برطرف و پرسشنامه نهایی تنظیم شد. جهت اطمینان از اعتبار پرسشنامه به مشاوره و بهره‌گیری از نظرات اساتید و کارشناسان مربوطه و همچنین از آزمون آلفای کرونباخ جهت پایایی پرسشنامه اقدام شده است و بر اساس ضریب آلفا بعد از حذف گویه‌های با ضریب پایایی پایین، ضریب پایایی تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ می‌باشد.

جامعه آماری این مطالعه تمامی شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر کرمانشاه می‌باشد که تعداد آنها در حدود ۷۵۰ هزار نفر می‌باشد. از آنجا که به طور طبیعی امکان مطالعه دیدگاه‌های تمامی ساکنان وجود نداشت از شیوه «نمونه‌گیری» برای تبیین نظریات افراد مورد مطالعه استفاده شده است و بر اساس فورمول کوکران تعدادی از افراد (۳۸۴ نفر) که معرف جامعه

آماري تشخيص داده شدند به عنوان حجم نمونه انتخاب و مطالعه شده است.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

$$N = 750000 \quad t = 1/96 \quad P = 0/5 \quad Q = 0/5 \quad d = 0/05$$

$$n = \frac{\frac{(1/96)^2 \times (0/5)(0/5)}{(0/05)^2}}{1 + \frac{1}{750000} \left(\frac{(1/96) \times (0/5)(0/5)}{(0/05)^2} - 1 \right)} = 384$$

روش نمونه گيري در اين پژوهش شيوه نمونه گيري دو مرحله‌اي با استفاده از نمونه گيري خوشه‌اي و سپس نمونه گيري تصادفي ساده مي‌باشد. بدین صورت که تعدادی از محله‌های شهر کرمانشاه انتخاب و از هر مرحله به صورت تصادفي نمونه نهایي مورد مطالعه قرار گرفت. پس از گردآوری داده‌ها تجزيه و تحليل آنها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و Smart PLS انجام گردید و در این رابطه برای آزمون فرضيات، تست‌های آماری متناسب بکار گرفته شد.

تعريف متغيرهای پژوهش

- سرمایه اجتماعی

تعريف مفهومی: اصطلاح سرمایه اجتماعی به سرمایه‌هایی از قبیل اعتماد اجتماعی، هنجارها و شبکه‌هایی که مردم برای حل مشکلات عمومی ترسیم می‌کنند، گفته می‌شود. سرمایه اجتماعی با مفاهیمی از قبیل مشارکت، اعتماد، حمایت و ارتباطات اجتماعی پیوند یافته است (آدام و رنسویچ، ۲۰۰۳: ۱۶۲-۱۶۰).

تعريف عملیاتی: در این پژوهش سرمایه اجتماعی با شاخص‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، حمایت اجتماعی، آگاهی اجتماعی و ارتباط اجتماعی سنجیده شده است.

همچنین اعتماد اجتماعی با شاخص‌های اعتماد در سطح خانوادگی و نهادی، مشارکت اجتماعی با شاخص‌های مشارکت در گروه‌های مختلف و فعالیت‌های اجتماعی، انسجام اجتماعی با همبستگی درون قومی و همبستگی در سطح اجتماع، حمایت اجتماعی با شاخص‌های حمایت ابزاری، عاطفی، اطلاعاتی و در نهایت ارتباط اجتماعی با شاخص‌های ارتباطات خانوادگی، روابط با افراد اجتماع و تعاملات مثبت با دیگران سنجیده شده است.

- مشارکت سیاسی

تعریف مفهومی: می‌توان گفت که مشارکت سیاسی هر گونه رفتار و عمل فردی است که هدف آن تحت تأثیر قرار دادن سیاست‌گذاران عمومی یا انتخاب رهبران سیاسی و یا اعمال نظر رهبران بر مردم یا به طور خلاصه حوزه تصمیم‌گیری و تقاضا در بین مردم و دولت است (عالم، ۱۳۸۴: ۲۳۴).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش مشارکت سیاسی با شاخص‌های شرکت در انتخابات، عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی، همکاری با نهادها و انجمن‌های سیاسی و فعالیت‌های انتخاباتی سنجیده شده است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

نتایج فراوانی متغیر جنس نشان می‌دهد که ۵۵/۵ درصد افراد مورد مطالعه مرد و ۴۵/۵ درصد دیگر را زن تشکیل داده‌اند.

نتایج فراوانی متغیر وضعیت تأهل نشان می‌دهد که ۶۱/۱۳ درصد افراد مورد مطالعه متأهل و ۳۸/۸۷ درصد دیگر را مجرد تشکیل داده‌اند.

بر اساس یافته‌ها ۱۴/۴۱ درصد از پاسخگویان دارای سن ۱۸ تا ۲۴ سال، ۲۲/۰۵ درصد دارای سن ۲۵ تا ۲۹ سال، ۱۵/۵۵ درصد دارای سن ۳۰ تا ۳۵ سال، ۲۰/۷۰ درصد ۳۶ تا ۴۰ سال، ۸/۳۳ درصد ۴۱ تا ۴۵ سال، ۱۰/۸۱ درصد ۴۶ تا ۵۰ سال، ۶/۰۵ درصد ۵۱ تا ۶۰ سال و ۲/۱۰ درصد پاسخگویان ۶۰ سال به بالا هستند.

آمار توصیفی متغیر مشارکت سیاسی

جدول ۲: آمار توصیفی مشارکت سیاسی

میلنگین	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		مولفه‌های مشارکت سیاسی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳/۶۳	۱۸/۲۳	۷۰	۴۳/۲۳	۱۶۶	۲۵/۷۸	۹۹	۸/۳۴	۳۲	۴/۴۲	۱۷	شرکت در انتخابات
۲/۶۵	۵/۷۳	۲۲	۲۱/۰۹	۸۱	۲۸/۱۲	۱۰۸	۲۲/۶۶	۸۷	۲۲/۴۰	۸۶	عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی
۲/۷۲	۵/۲۰	۲۰	۲۱/۰۹	۸۱	۳۲/۰۳	۱۲۳	۲۴/۴۹	۹۴	۱۷/۱۹	۶۶	همکاری با نهادها و انجمن‌های سیاسی
۳/۴۷	۱۶/۱۵	۶۳	۳۶/۷۱	۱۳۱	۳۳/۳۳	۱۲۸	۹/۶۳	۴۸	۴/۱۶	۱۶	فعالیت‌های انتخاباتی
۳/۱۱											میزان کل مشارکت سیاسی

یافته‌ها نشان می‌دهد که در بین شاخص‌های مشارکت سیاسی، شرکت در انتخابات دارای بیشترین میانگین یعنی (۳/۶۳) و عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی دارای کمترین میانگین یعنی (۲/۶۵) می‌باشد. میانگین فعالیت‌های انتخاباتی (۳/۴۷) و میانگین همکاری با نهادها و انجمن‌های سیاسی (۲/۷۲) می‌باشد. میانگین کلی مشارکت سیاسی (۳/۱۱) است که نشان می‌دهد پاسخگویان در حد متوسطی می‌باشد. اما نکته قابل توجه در نحوه مشارکت سیاسی پاسخگویان می‌باشد که عمدتاً زمینه اصلی مشارکتشان را فعالیت‌های انتخاباتی شکل می‌دهد و عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی و همکاری با نهادها و انجمن‌های سیاسی به میزان کمی می‌باشد.

آمار توصیفی متغیر سرمایه اجتماعی

جدول ۳: آمار توصیفی سرمایه اجتماعی

میلنگین	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		مولفه‌های سرمایه اجتماعی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳/۳۹	۱۸/۲۳	۷۰	۳۱/۵۱	۱۲۱	۲۹/۴۲	۱۱۳	۱۳/۲۹	۵۱	۷/۵۵	۲۹	اعتماد اجتماعی
۳/۵۵	۲۳/۷۰	۹۱	۲۸/۶۵	۱۱۰	۳۲/۸۱	۱۲۶	۸/۶۰	۳۳	۶/۲۴	۲۴	مشارکت اجتماعی
۳/۴۵	۲۰/۳۱	۷۸	۲۸/۶۵	۱۱۰	۳۲/۰۳	۱۲۳	۱۴/۰۶	۵۴	۴/۹۵	۱۹	انسجام اجتماعی
۲/۹۶	۱۰/۹۴	۴۲	۲۱/۰۹	۸۱	۳۵/۹۳	۱۳۸	۱۷/۴۶	۶۷	۱۴/۵۸	۵۶	حمایت اجتماعی
۲/۸۶	۵/۲۱	۲۰	۱۷/۹۶	۶۹	۴۵/۳۱	۱۷۴	۲۰/۵۷	۷۹	۱۰/۹۴	۴۲	آگاهی اجتماعی
۳/۰۶	۱۱/۹۸	۴۶	۲۷/۰۴	۱۰۰	۳۱/۵۱	۱۲۱	۱۷/۱۹	۶۶	۱۳/۲۸	۵۱	ارتباط اجتماعی
۳/۰۷											میزان کل سرمایه اجتماعی

یافته‌ها نشان می‌دهد که در بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی دارای بیشترین میانگین یعنی (۳/۵۵) و آگاهی اجتماعی دارای کمترین میانگین یعنی (۲/۸۶) می‌باشد. میانگین اعتماد اجتماعی (۳/۳۹)، انسجام اجتماعی (۳/۴۵)، حمایت اجتماعی (۲/۹۶) و ارتباط اجتماعی (۳/۰۶) می‌باشد. میانگین کلی مشارکت سیاسی (۳/۱۱) است که نشان می‌دهد پاسخگویان در حد متوسطی می‌باشد.

آزمون فرضیه‌ها

بررسی وضعیت نرمال توزیع داده‌ها

جدول ۴. آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیرهای	اعتماد اجتماعی	مشارکت اجتماعی	انسجام اجتماعی	حمایت اجتماعی	آگاهی اجتماعی	ارتباط اجتماعی	مشارکت سیاسی
تعداد	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴
مقادیر کلموگروف - اسمیرنوف	۲/۳۳	۱/۹۹	۲/۲۹	۲/۸۱	۲/۷۰	۲/۵۴	۳/۲۵
سطح معناداری (دو دامنه)	۰/۱۸	۰/۱۲	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۱۱	۰/۰۹

با توجه به جدول شماره ۲ می‌توان نتیجه گرفت که چون مقادیر سطح معناداری کلیه متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشند پس می‌توان گفت که این عامل نرمال بودن توزیع داده‌ها را می‌رساند و می‌توان در تحلیل فرضیه‌های پژوهش، آزمون‌های پارامتریک را بکار گرفت.

آزمون فرضیه‌ها

- بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، حمایت اجتماعی، آگاهی اجتماعی و ارتباط اجتماعی) با مشارکت سیاسی ارتباط وجود دارد.

جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش مبنی بر ارتباط بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، حمایت اجتماعی، آگاهی اجتماعی و ارتباط اجتماعی) با مشارکت سیاسی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول ۵. آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

مشارکت سیاسی		شاخص‌ها	نام متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی		
۰/۰۰۰	۰/۳۸	اعتماد اجتماعی	سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۴۱	مشارکت اجتماعی	
۰/۰۰۱	۰/۳۰	انسجام اجتماعی	
۰/۰۰۱	۰/۲۷	حمایت اجتماعی	
۰/۰۰۰	۰/۳۵	آگاهی اجتماعی	
۰/۰۰۰	۰/۳۶	ارتباط اجتماعی	
۰/۰۰۰	۰/۳۵	میزان کل مشارکت سیاسی	

یافته‌ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد سرمایه اجتماعی و همچنین میزان کل آن با مشارکت سیاسی از دیدگاه شهروندان شهر کرمانشاه رابطه مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین مشارکت اجتماعی با مشارکت سیاسی ($P=0/41$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین حمایت اجتماعی و مشارکت سیاسی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=0/27$) می‌باشند.

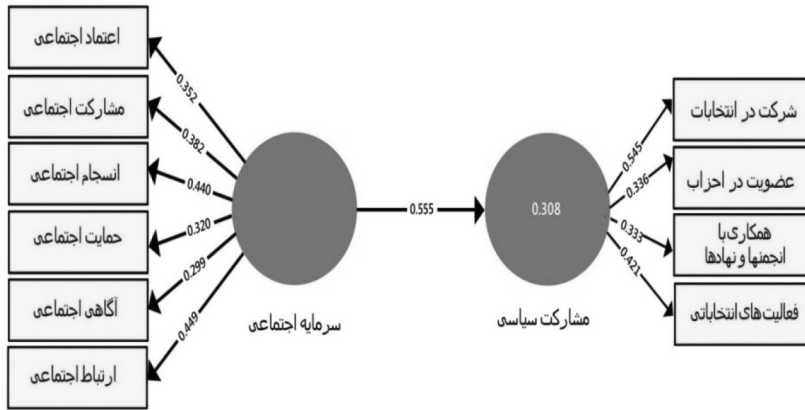
همچنین رابطه بین اعتماد اجتماعی ($P=0/38$)، انسجام اجتماعی ($P=0/30$) و آگاهی اجتماعی ($P=0/35$) و ارتباط اجتماعی ($P=0/38$) با مشارکت سیاسی از دیدگاه شهروندان شهر کرمانشاه دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان استدلال کرد که هر چه میزان سرمایه اجتماعی ($P=0/35$) و ابعاد آن بیشتر شود میزان مشارکت سیاسی بیشتر می‌شود و بنابراین تمامی فرضیه‌های پژوهش حاضر تأیید می‌شوند.

مدل معادله ساختاری (Smart PLS)

به منظور تعیین شدت و جهت بررسی تأثیر ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی در بین شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر کرمانشاه از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است.

برآوردهای مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل (اثر متغیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:

شکل ۱: مدل معادله ساختاری اثر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی



جدول ۴. برآورد شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	GOF	SRMR	NFI
مقدار	۰/۸۳	۰/۰۸۱	۰/۹۱

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری در مجموع بیانگر این است که داده‌ها مدل نظری پژوهش را حمایت می‌کنند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است و شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۵. برآورد اثر متغیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب اثر	مقدار بحرانی	سطح معناداری
سرمایه اجتماعی	<---	مشارکت سیاسی	۰/۳۰۸	۰/۵۵۵	1/2	۰/۰۰۱

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است: (۱) متغیر سرمایه اجتماعی در مجموع ۰/۵۵ از واریانس متغیر مشارکت سیاسی را تبیین می‌کند، با مدنظر قرار دادن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص تعیین این مقدار در حد متوسط (۰/۳۰۸) برآورد می‌شود، به عبارت دیگر متغیر سرمایه اجتماعی در ابعاد مختلف در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر مشارکت سیاسی در بین شهروندان را دارد. (۲) اثر متغیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی به لحاظ آماری معنادار است. بنابراین فرضیه کلی پژوهش مبنی بر اینکه متغیر سرمایه اجتماعی

بر مشارکت سیاسی تأثیر دارد، تأیید می‌شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر می‌توان گفت اثر متغیر سرمایه اجتماعی بر متغیر مشارکت سیاسی مثبت، مستقیم و در حد متوسط برآورد می‌شود، به این معنا که افزایش میزان سرمایه اجتماعی می‌تواند در حد متوسط منجر به تقویت مشارکت سیاسی گردد.

عوامل متعددی می‌توانند بر مشارکت سیاسی در بین افراد یک جامعه تأثیرگذار باشد که از جمله آنها سرمایه اجتماعی می‌باشد. در هر جامعه خرده نظام اجتماعی در ارتباط متقابل با خرده نظام‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، اصلی‌ترین منبع و قلمرو روابط و تعاملات اجتماعی توأم با احساس و عواطفی است که مولد تعهدات متقابل برای برقراری پیوندها و وصل کردن کنشگران به همدیگر و ایجاد اعتماد، همبستگی، انسجام و محیط گرم است و بستری برای مشارکت در فعالیت‌های مختلف جامعه از جمله فعالیت‌های سیاسی فراهم می‌کند.

با توجه به اهمیت و ضرورت بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در پژوهش حاضر به تحلیل و بررسی ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی از قبیل اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، حمایت اجتماعی، آگاهی اجتماعی و ارتباط اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل و رابطه آن با مشارکت سیاسی در شهر کرمانشاه به عنوان متغیر وابسته پرداخته شد.

بر اساس یافته‌ها هر چه میزان سرمایه اجتماعی ($P=0/35$) و ابعاد آن بیشتر شود میزان مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر کرمانشاه بیشتر می‌شود؛ در این میان رابطه بین مشارکت اجتماعی با مشارکت سیاسی ($P=0/41$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین حمایت اجتماعی و مشارکت سیاسی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=0/27$) می‌باشند. همچنین رابطه بین اعتماد اجتماعی ($P=0/38$)، انسجام اجتماعی ($P=0/30$) و آگاهی اجتماعی ($P=0/35$) و ارتباط اجتماعی ($P=0/36$) با مشارکت سیاسی از دیدگاه شهروندان شهر کرمانشاه دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار می‌باشد.

نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری (Smart PLS) نیز نشان دادند که متغیر سرمایه اجتماعی در مجموع $0/55$ از واریانس متغیر مشارکت سیاسی را تبیین می‌کند، با مدنظر قرار دادن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار در حد متوسط ($0/30$) برآورد می‌شود، به عبارت دیگر متغیر سرمایه اجتماعی در ابعاد مختلف در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر مشارکت سیاسی را دارد.

یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های مولایی و دیگران (۱۳۹۵)، عباس زاده و میرزایی (۱۳۹۳)، ماتا (۲۰۱۳)، جوهانسون و دیگران (۲۰۰۹)، گرلی (۱۹۹۷) و ولج و

دیگران (۲۰۰۴) همخوانی دارد. هرکدام از پژوهشگران فوق در نتایج خود به نحوی به ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی پی بردند. یافته‌هایی که همخوان با پژوهش حاضر است. همچنین یافته‌های پژوهش با تئوری‌های پاتنام، لک و هوکفلد و مک لرگ همخوانی دارد. هرکدام از اندیشمندان فوق در تئوری‌های خود به نقش سرمایه اجتماعی در افزایش مشارکت اشاره کرده‌اند و عقیده دارند که سرمایه اجتماعی از طریق ایجاد فضای اعتماد و همچنین شبکه‌های اجتماعی در جامعه و از طریق بالا بردن افزایش منابع و توانایی‌های افراد باعث افزایش مشارکت سیاسی در بین مردم می‌شود.

بنابراین مشاهده می‌شود که سرمایه اجتماعی یکی از منابع مهم مشارکت سیاسی در بین مردم است و با افزایش سرمایه اجتماعی در ابعاد مختلف میزان مشارکت سیاسی افزایش پیدا می‌کند. در سایه تحقق سرمایه اجتماعی امکان فعالیت جمعی و تعاون و همکاری بین افراد فراهم می‌شود و بدین ترتیب به عنوان عاملی مؤثر در تقویت حس احترام افراد به حقوق یکدیگر، مانع رفتارهای منفعت جویانه افراد به نفع خود و به ضرر اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند می‌شود. بر این اساس سرمایه اجتماعی به عنوان یک دارایی مهم برای حفظ و نگهداری سلامت جامعه و توانمندی جامعه مدنی و مشارکت سیاسی پذیرفته می‌شود.

سرمایه اجتماعی تمایل شهروندان را به تعامل و همکاری افزایش داده و شبکه‌ای از روابط داوطلبانه مبتنی بر اعتماد و انسجام بین گروه‌ها را در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی تشکیل می‌دهد. سرمایه اجتماعی افراد جامعه را به هم پیوند می‌دهد و از انفصال و پراکندگی آنها جلوگیری می‌کند و بنابراین مسئولیت پذیری در قبال دیگران، مشارکت، پیروی از قانون و عام‌گرایی پدید می‌آید که هر کدام از موارد مذکور شاخص‌های اصلی مشارکت سیاسی هستند.

- یافته‌های پژوهش حاکی از ارتباط مثبت و مستقیم بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی می‌باشد، لذا پیشنهاد می‌گردد که تلاش شود تا سطح اعتماد اجتماعی در سطح جامعه افزایش یابد. برای این منظور یکی از راه‌های مناسب در این زمینه عبارت است از اینکه مسئولین در حد امکان به وعده‌هایی که به مردم می‌دهند، عمل نمایند که این امر باعث بهبود سطح اعتماد اجتماعی در جامعه می‌گردد. اعتماد اجتماعی بالا نتایج مفیدی برای جامعه دارد. از یک سو انگیزه مردم را برای مشارکت در سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه و همچنین رویدادهای اجتماعی افزایش می‌دهد و از سوی دیگر به توسعه و افزایش مشارکت سیاسی منجر می‌شود.

- یافته‌های پژوهش حاکی از ارتباط مثبت و مستقیم بین مشارکت اجتماعی و مشارکت سیاسی مردان می‌باشد، لذا پیشنهاد می‌گردد که زمینه‌های مشارکت آنها در جامعه فراهم گردد و این زمینه‌های مشارکت باید با عضویت در گروه‌های اجتماعی و همچنین شرکت در مراسم‌ها و فعالیت‌های مختلف باشد، که در این زمینه به حمایت‌های دولتی نیز نیاز اساسی وجود دارد. تمرکز بر آموزش گروهی به جای آموزش انفرادی، امکان تماس بین مردم و مسئولان، تبلیغات رسانه‌های جمعی به ویژه رسانه ملی در راستای افزایش مشارکت اجتماعی مردم می‌تواند در افزایش مشارکت اجتماعی مردمی تأثیرگذار باشد.

- یافته‌های پژوهش حاکی از ارتباط مثبت و مستقیم بین انسجام اجتماعی و مشارکت سیاسی مردان می‌باشد، لذا پیشنهاد می‌گردد که افزایش مشارکت ملت و اقوام ایرانی در راستای ایجاد همدمی و هم‌زبانی میان دولت و ملت، بسط و گسترش الگوهای عملی مشارکت اجتماعی، تأکید و تمرکز بر اصول و فرهنگ مشترک، پذیرش واقعیت حضور اقوام مختلف و به رسمیت شناختن آیین و رسوم خاص آنان، احیای نمادها و اشعار کهن و باستانی مشترک ملی، تقویت روحیه پذیرش چند فرهنگ‌گرایی، گسترش فرهنگ مشارکت و افزایش آگاهی‌های لازم در این خصوص با بهره‌گیری از رسانه‌های ارتباطی و جمعی و... مورد توجه قرار گیرد.

- یافته‌های پژوهش حاکی از ارتباط مثبت و مستقیم بین حمایت اجتماعی و مشارکت سیاسی مردان می‌باشد، لذا پیشنهاد می‌گردد که حمایت‌های مختلف در ابعاد ابزاری، عاطفی و اطلاعاتی صورت پذیرد. این حمایت‌ها نه تنها از جانب خانواده و نزدیکان، بلکه باید از جانب دولت هم باشد. دولت باید امکانات مختلف مشارکت را را در اختیار افراد قرار دهد و اطلاع

رسانی لازم نیز صورت پذیرد.

- یافته‌های پژوهش حاکی از ارتباط مثبت و مستقیم بین ارتباط اجتماعی و مشارکت سیاسی مردان می‌باشد، لذا پیشنهاد می‌گردد که فرهنگ ارتباط در سطح جامعه از طرق مختلف به خصوص از طریق رسانه‌های جمعی نهادینه شود. یقیناً بدون داشتن ارتباطات اجتماعی هیچ کس قادر نیست نیازهای معمولی خود را برطرف سازد و بنابراین افزایش مهارت‌های ارتباطی باید از خانواده‌ها آغاز گردد و در سیستم آموزشی نیز به آن توجه شود.

- آلموند، گابریل (۱۳۷۶). چارچوبی برای سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- باقری، معصومه؛ حسین زاده، علی حسین؛ شجاعی، حسن؛ (۱۳۹۷). بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، احساس بی قدرتی، وفاق اجتماعی، پیوند اجتماعی) بر مشارکت سیاسی زنان استان خوزستان (مطالعه موردی: شهر اهواز). *فصلنامه توسعه اجتماعی*، دوره ۱۲، شماره ۳، ۶۲-۲۹.
- پاتنام، روبرت. (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های ملنی*. ترجمه: محمدتقی دلفروز. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، چاپ اول.
- پای، لوسین دلیو. (۱۳۸۰). *بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*. مترجم: غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تاجبخش، کیان. (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)*. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: نشر شیرازه.
- تافلر، آلون. (۱۳۸۴). *موج سوم*. ترجمه شهین دخت خوارزمی. تهران: نشر خوارزمی.
- حمیدی هریس، رسول و راد، فیروز. (۱۳۹۶). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. *مطالعات جامعه‌شناسی*. سال نهم، شماره ۳۵، تابستان. ۸۱-۶۵.
- حیدرخانی، هاییل. (۱۳۹۷). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در پایداری به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر کرمانشاه. *تحقیقات فرهنگی*، دوره ۱۱، شماره ۲ - شماره پیاپی ۴۲، تابستان. ۷۸-۵۱.
- راش، مایکل. (۱۳۹۰). *جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*. ترجمه منوچهر صبور، تهران: انتشارات سمت.
- رضایی، محمد؛ آذین، احمد؛ جعفری نژاد، مسعود؛ (۱۳۹۶). بررسی رابطه میزان اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی از نظر دانشجویان دانشگاه مازندران. *رهیافت انقلاب اسلامی*، شماره ۳۹، ۱۲۲-۱۰۱.
- شهرام نیا، امیرمسعود؛ ابراهیمی پور، حوا؛ محموداوغلی، رضا؛ ملکان، مجید. (۱۳۹۶). سنجش تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران. *جامعه‌شناسی کاربردی سال بیست و هشتم بهار ۱۳۹۶* شماره ۱ (پیاپی ۶۵).
- عبدالرحمن عالم. (۱۳۸۰). *بنیادهای علم سیاست*. تهران: نشر نی.
- عبداللهیان، حمید و کرمائی، حسین. (۱۳۹۴). تبیین رابطه سرمایه اجتماعی کاربران ایرانی در شبکه اجتماعی فیس بوک و مشارکت سیاسی در دنیای واقعی. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران* دوره چهارم زمستان ۱۳۹۴ شماره ۴ (پیاپی ۱۶).
- محبی، سیروس؛ رستمی، مسلم؛ کلانتری پور، سمیرا؛ سلطانی، اقبال. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان در مناطق حاشیه نشین شهرها (نمونه مورد مطالعه: مناطق حاشیه نشین شهر کرمانشاه). *فصلنامه علوم اجتماعی شوشتر*، سال دهم، شماره ۳ (پیاپی ۳۴) پاییز.

- ملائکه، سید حسن و امیری فر، الهام. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط بین ابعاد مختلف دینداری و مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر ایذه. *فصلنامه علوم اجتماعی شوستر*، دوره ۱۲، شماره ۴۱، تابستان. ۸۶-۶۱.
- ناطق پور، محمدجواد و فیروزآبادی، سیداحمد. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل گیری آن در شهر تهران. *مجله جامعه شناسی ایران*. دوره ششم، شماره ۴، ۹۱ - ۵۹.
- Adam, Frane and Roncevic, Borut (2003), "Social capital: recent debates and research trends". *Social Science Information*, 42: 155-183.
- Anderson, D. M. (2003) Cautious Optimism about Online Politics andCitizenshi,
- Barkan, Steven. (1998). Race, issue engagement, and political participation. *Race & society*. 1 (1): 63 – 76.
- Bankston, Carl L. and Zhou, Min (2002). Social capital as a process: the meanings and problems of a theoretical metaphor. *Sociological Inquiry*, 72: 285-317.
- Hoffman, A. and Dowd, R. (2014). Religion Gender and Political Participation in Africa Lessons from Nigeria Senegal and Uganda De: Lessons from Nigeria, Senegal and Uganda, Department of Political Science, University of Notre Dame.
- Huntington.S & J.M Nelson (1976), *Political Participation in Developing Countries* Cambridge, Harvard University Press.
- Lake, R.L., Huckfeldt, R., (1998). "Social Networks, Social Capital, and Political Participation", *Political Psychology*, Vol. 19, pp. 567-584.
- McClurg, S.D. (2003), *Social Networks and Political Participation: The Role of Social Interaction in Explaining Political Participation*. *Political Research Quarterly*, 56 (December). 449-464.
- Teney, C. & Hanquinet, L. (2017). High Political Participation, High Social Capital? A relational analysis of youth social capital and political participation. *Social Science Research*, 41(5), 1213-1226. <http://dx.doi.org/10.1016/j.ssresearch.2012.03.012>.
- Jemna, V & M. Curelaru, (2009). Values and Students' Political Participation, *Journal for The Study of Religions and Ideologies*, 8, (24).
- Nygard, M., Nyqvist, F., Steenbeek, W., & Jakobsson, G. (2015). Does Social Capital Enhance Political Participation of Older Adults? A Multi-Level Analysis of Older Finns and Swedes. *Journal of International and Comparative Social Policy*, 31(3), 234-254.
- Skoric, Marko M., Deborah Ying, Ying Ng., (2009), "Bowling Online, Not Alone:

Online Social Capital and Political Participation in Singapore”, Journal of Computer-Mediated Communication, Vol. 14, No. 2.

- Suh, Hyungjun. (2014). Correlation between Social Capital and Political Participation: Considering National Economic, Political Development, and Economic Inequality. University of Arizona.